

بوستانی ازادب

رسالە‌ای توجیهی پیرامون آداب اجتماعی

مؤلف :عبدالفتاح ابوغدّه
مترجم :عمرقادری

بوستانی از ادب

رساله‌ای توجیهی پیرامون آداب اجتماعی

مؤلف:

عبدالفتّاح ابوغدّه

مترجم:

عمر قادری



نشر احسان

ابوغده، عبدالفتاح، ۱۹۱۸ - ۱۹۹۶م.
بوستانی از ادب: رساله‌ای توجیهی پیرامون آداب اجتماعی / به قلم عبدالفتاح ابوغده؛
ترجمه عمر قادری. -- تهران: احسان، ۱۳۸۲.
۶۳ ص.
ISBN: 964-356-278-6
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی: من ادب الاسلام.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
چاپ دوم.
۱. آداب معاشرت اسلامی. ۲. اخلاق اسلامی. ۳. اخلاق اجتماعی. الف. قادری، عمر،
۱۳۴۷ - ، مترجم. ب. عنوان. ج عنوان: رساله‌ای توجیهی پیرامون آداب اجتماعی.
۸۰۴۱م۲۴الف/ BP۲۵۴ ۲۹۷/۶۵۱
۱۳۸۲
کتابخانه ملی ایران ۸۲-۳۲۶۹۹م

مؤلف: عبدالفتّاح ابوغدّه

بوستانی از ادب

مترجم: عمر قادری



نشر احسان

- ناشر: نشر احسان
- تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
- نوبت چاپ: اول ـ ۸۴
- چاپ: چاپخانه مهارت
- شابک: 278-6 / ۹۶۴-۳۵۶-۲۷۸-۶
- قیمت: 1500

فروشگاه شمارهٔ ۱: تهران - خیابان انقلاب ـ روبروی دانشگاه ـ مجتمع فروزنده ـ شماره ۴۰۶ - تلفن: ۶۶۵۴۴۰۴
فروشگاه شمارهٔ ۲: تهران - خیابان ناصر خسرو - کوچه حاج نایب ـ شمارهٔ ۱/۱۱ ـ تلفن: ۳۹۰۲۷۵۰

صندوق پستی: تهران ۳۸۵ ـ ۱۱۴۹۵

فهرست مطالب

مقدمه

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمدللّه رب العالمین بأفضلِ محامد الثـنا عـلیه و التـعظیم، و الصلاةُ و السلامُ علی سیدنا و نبینا محمد بأکرم ما صلَّی عـلیه خـالقُهُ الکریم، و علی آله و صحبه و أتْباعه الطیبین الأبرار، المُتَّبِعین لِهدْیِهِ و آدابِهِ المتقین الأطهار، اللهم ارزقنا اتِّباعَهُم فی القولِ و العمل، و أمِـتْنا علی سُنَّتِهِم و حُبِّهم عند انتهاءِ الأجَل.

اما بعد: این رساله‌ای زیباست که آن را «**من أدب الإسلام**»[1] نام نهاده‌ام. در لابه لای این صفحات سبدی از آداب زیبای اسلامی چیده و تقدیم به خواهران و برادرانی می‌نمایم که به نظر می‌رسد از عطر و عبیر آن بی‌بهره‌اند یا در فهم آنها اشتباه می‌کنند. هر چند در عمل به این آداب از دوستانم بهتر نیستم، اما هدفم از گردآوری آن تذکر به آنان است و هر چند خود نیز بدان نیازمندم، اما می‌خواهم در خلال آن توصیه‌ای به حق و صبر نیز نموده و به فرمان صریح خداوند: ﴿وَ ذَکِّرْ

۱- این رساله را از سایت اینترنتی «الشبکه الإخوانیه» گرفته‌ام که عنوان «بوستانی از ادب» را برای آن برگزیدم.

فإِنَّ الذِّكْرى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِين﴾ عمل كرده باشم.

اميدوارم خداوند با اين تذكر و توصيه‌ها من و دوستانم را بهره‌مند سازد و ما رامشمول لطف و مرحمت و هدايت خود در دنيا و آخرت گرداند، همانا او دوست و تكيه‌گاه شايستگان است.

محرم ۱۴۱۲

عبدالفتاح ابوغده

بوستانی از ادب

دین پاک اسلام دارای آداب و فضائل بسیاری است که هر جنبه از جنبه‌های زندگی را فراگرفته‌اند وکوچک و بزرگ و مرد و زن را در بر می‌گیرند؛ زیرا همان‌گونه پیامبر فرموده است: «**إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ**»: «زنان همشیره و همسان مردانند.»، پس هر آدابی که مرد را مورد خطاب قرار می‌دهد با همان شیوه زن را نیز مورد خطاب قرار می‌دهد؛ چراکه بنای جامعه‌ی اسلامی بر این دو ستون استوار است و اسلام به وسیله‌ی این دو پایه عرضه می‌گردد و شناخته می‌شود.

همانا اسلام مسلمانان را به رعایت این آداب دعوت و تشویق نموده است تا شخصیت ایمانیشان تکمیل و صف مسلمانان را منظم و منسجم سازند. بی‌شک خود را آراستن به این آداب و فضیلت‌ها اخلاق مسلمان را زیباتر، زیبایی‌هایش را وزین‌تر و شخصیت او را محبوب‌تر و به قلب و نفس‌ها نزدیک‌تر می‌کند.

عنوان آداب بدان معنی نیست که موارد مذکور در حاشیه‌ی زندگی و اخلاق باشند و مسلمانان در عملی نمودن و ترک آنها مختار باشند، یا عملی نمودن آنها تنها در حد اولویت باشد، خیر، بلکه از متن اسلام سرچشمه می‌گیرند و مبنی بر مقاصد شریعت و مصالح بندگان هستند.

امام قرافی در کتاب «الفروق»، در مبحث موقعیت ادب و جایگاه آن نسبت به عمل می‌فرماید: «بدانید که ادب کم بر عمل زیاد برتری دارد و به همین خاطر رُویم ـ یکی از علمای صالح ـ به فرزندش

می‌گوید: «دلبندم! عمل را همچون نمک بپندار و ادب را همچون آرد؛ یعنی همان‌گونه که نانوا در ترکیب خمیر مقدار کمی نمک را در مقدار زیادی آرد حل می‌کند، ادب زیاد با عمل صالح کم، بهتر از عمل صالح زیاد با ادب کم است.»

تأکید می‌کنم، هر چند برخی از این آداب ساده و کم‌ارزش جلوه می‌کنند، اما هشدار به آنها جای تعجب نیست؛ زیرا بسیاری از ما در همین مسائل ساده و بدیهی دچار اشتباه می‌شویم و شخصیت اسلامی خود را که باید از نظر زیبایی و کمال و نشانه‌های اسلامی متمیز و مشخص باشد زیر سؤال می‌بریم. سرور ما، محمد، زمانی که برخی از یاران گران قدرش پیرامون او بودند به ایشان فرمود: «**إِنَّكُمْ قَادِمُونَ عَلَى إِخْوَانِكُمْ فَأَحْسِنُوا لِبَاسَكُمْ و أَصْلِحُوا رِحَالَكُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَأَنَّكُمْ شَامَةٌ فِي النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْفُحْشَ وَ لا التَّفَحُّشَ**»[۱]

«شما اینک قصد حضور در میان برادرانتان دارید،پس لباس‌هایتان را مرتب و مرکب و سر و سیمای خود را اصلاح نمایید، به صورتی که تبدیل به گل خوشبوی مجلس شوید، همانا خداوند زشتی و بدزبانی را دوست ندارد.»

پس لازم است فرد مسلمان خود را با اخلاق حسنه و پاکی و زیبایی پوشاک و تناسب اندام و وقار شخصیتی معرفی نماید و امیدوارم خدای متعال همه‌ی ما را به راه راست هدایت نماید.

۱- روایت از ابوداود، امام احمد، حاکم در «المستدرک» از سهل‌بن حنظله رضي الله عنه

۱ـ آداب ورود و خروج از منزل:

هرگز به هنگام ورود و خروج از منزل در خانه را تند باز و بسته مکن یا با فشار و طوری آن را رها نکن که خود به خود بسته شود؛ چرا که این نوع برخورد با لطف و دقت دینی که خود را بدان نسبت می‌دهی سازگار نیست، بلکه آهسته و آرام آن را ببند و شاید شنیده باشی که مادر مؤمنان، عائشه رضی‌اللّه‌عنها از پیامبر روایت کرده است:

«إِنَّ الرِّفْقَ لَایکُونُ فِی شَیءٍ إِلَّا زَانَهُ وَ لَایُنْزَعُ مِنْ شیءٍ إِلَّا شَانَهُ»(۱)

«وجود برخورد نرم و آرام هر کاری را مزین و عدم آن هر کاری را معیوب می‌کند.»

۲ـ آداب سلام کردن:

هرگاه به منزل برگشتی به خانواده‌ات اعم از زن و مرد با سلام اسلامی (**اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ**) سلام کن. هرگز عبارت دیگری مانند (صبح به خیر)، (خسته نباشید)، (چطورید) و... را جانشین این عبارت مکن؛ زیرا با این تغییر باعث مردن این عبارت اسلامی می‌شوید و حال آن که (**السَّلامُ عَلَیْکُمْ و رَحْمَةُ اللّهِ**) شعار

۱- روایت از مسلم.

اسلام و شناسنامه‌ی مسلمانان است که رسول اللّه ﷺ با گفتار و رفتار خود آن را ترسیم و به خادم جلیل خود، انس، یاد داده است:
«يا بُنَى إذا دَخَلْتَ عَلَى أهْلِكَ فَسَلِّمْ يكُنْ بَرَكَةً عَلَيْكَ وَ عَلَى أهْلِ بيتِكَ»[۱]

«فرزندم! هرگاه بر خانواده‌ات وارد شدی سلام کن که سلام مایه‌ی خیر و برکت برای تو و خانواده‌ات است.»

یکی از تابعین بزرگوار به نام قتاده می‌فرمود:

«هرگاه به میان خانواده‌ات وارد شدی سلام کن؛ زیرا آنان بیش از همه بر سلام تو سزاوارند.»

ابوهریره می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود:
«إذا انْتَهَى أحَدُكُمْ إلَى الْمَجْلِسِ فَلْيُسَلِّمْ، فَإنْ بَدَا لَهُ أنْ يَجْلِسَ فَلْيَجْلِسْ، ثُمَّ إذا قَامَ فَلْيُسَلِّمْ، فَلَيْسَتِ الْأُولَى بِأحَقَّ مِنَ الْآخِرَة»[۲]

«هر کس به مجلس راه یافت سلام کند، اگر برایش ممکن بود بنشیند و اگر برخاست با سلام برخیزد. سلام اول برتر از سلام دوم نیست.»

۳ـ آداب خبر کردن صاحب خانه به وقت ورود:

هرگاه وارد خانه شدید قبل از داخل شدن اهل خانه را از ورود خود باخبر ساز، تا با ورود ناگهانی تو مواجه نشوند و چنان فکر نکنند که تو به آنان اطمینان نداری و می‌خواهی تعقیبشان کنی. ابوعبیده،

۱- روایت از ترمذی.

۲- روایت از ترمذی.

عامربن عبداللّه بن مسعود ﷺ می‌گوید: پدرم، عبداللّه‌بن مسعود هرگاه وارد خانه می‌شد با صدای آشنای خود اهل خانه را خبردار می‌کرد و برای خبردار شدن با صدای بلند سخن می‌گفت.

امام احمد ﷺ می‌گوید: مردی که به خانه بر می‌گردد مستحب است که سرفه کند یا کفش‌هایش را تند بر زمین بکوبد.[۱]

عبداللّه بن امام احمد نیز می‌گوید: پدرم هرگاه از مسجد بر می‌گشت، قبل از ورود به منزل پاهایش را بر زمین می‌کوبید و گاهی اوقات سرفه می‌کرد، تا ما را خبردار کند که می‌خواهد داخل شود.

به همین خاطر در صحیحین از جابر روایت شده که رسول خداﷺ از این که مرد شب هنگام از سفر برگردد و در غفلت خانواده بر آنان داخل شود نهی فرمود، تا اهل خانواده خیال نکنند که او آنان را تعقیب می‌کند یا آنان را خائن می‌شمارد و در پی کشف اسرارشان است.

٤ـ آداب اجازه گرفتن از خانواده‌ی خود:

اگر کسی از اهل خانواده‌ات در اتاقی از منزلت مشغول استراحت یا کار دیگر است حتی اگر پدر، مادر، دختر یا پسرت

۱- البته در جهان امروز امکاناتی همچون آیفن و دیگر امکانات پیشرفته کار را آسان‌تر کرده و جز در جاهایی که این امکانات وجود ندارند نیاز به سرفه و... نیست. «مترجم»

باشند، به وقت وارد شدن بر آنان با کسب اجازه وارد شو، مبادا به شیوه‌ای او را ببینی که دوست نداشته باشد یا دوست نداشته باشی.

امام مالک در کتاب «الموطأ» از عطاءبن یسار به طور مرسل روایت کرده که «مردی از پیامبر ﷺ پرسید آیا به وقت وارد شدن بر مادرم از او اجازه بگیرم؟ فرمود: از او اجازه بگیر. مرد گفت: من خادم او هستم. فرمود: از او اجازه بگیر. باز فرمود: آیا دوست داری او را لخت ببینی؟! گفت: نه. فرمود: پس اجازه بگیر.»

مردی نزد عبداللّه بن مسعود رضی الله عنه آمد و گفت: آیا به وقت وارد شدن بر مادرم از او اجازه بگیرم؟ در جواب گفت: مادرت دوست ندارد در هر حالت بر او وارد شوی. زینب، همسر عبداللّه‌بن مسعود می‌گوید: عبداللّه هرگاه برای نیازی وارد می‌شد قبل از بازکردن در به سرفه می‌پرداخت تا در حالی ما را نبیند که دوست نداشته باشیم یا دوست نداشته باشد. در روایت ابن ماجه در آخر کتاب «الطب» آمده است که عبدالله هرگاه وارد خانه می‌شد قبل از ورود، به سرفه و بلند کردن صدا می‌پرداخت.

مردی از حذیفه بن یمان پرسید که آیا به هنگام ورود به خانه از مادرم اجازه بگیرم؟ در جواب گفت: آری، در غیر این صورت ممکن است او را در حالی ببینی که دوست نداشته باشد.

تابعی صحابی‌زاده، موسی بن عبیداللّه رحمه الله می‌گوید: پشت سر پدرم به اتاق مادرم رفتم و پدرم همراه با نگاهی ناخشنود سینه‌ام را

گرفت تا بر زمینم نهاد و گفت: چگونه بدون اجازه وارد اتاق مادرت می‌شوی؟! نافع، مولی عبداللّه بن عمر ﷺ نیز می‌گوید: هرگاه فرزندان ابن عمر به سن بلوغ می‌رسیدند اتاق آنان را مشخص می‌کرد و هرگز بدون اجازه بر یکدیگر وارد نمی‌شدند. ابن جریج از عطاء بن أبی رباح حکایت می‌کند که از ابن عباس ﷺ پرسیدم: به وقت ورود به اتاق دو خواهرم اجازه بگیرم؟ گفت: آری. گفتم: آنان در خانه‌ی من زندگی می‌کنند و مخارجشان با من است؟! گفت: آیا دوست داری که آنان را لخت ببینی؟ سپس این آیه را خواند که:

﴿وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (نور/۵۹)

«چون کودکان شما به سن بلوغ رسیدند باید همچون پیشینیان خود از شما کسب اجازه کنند».

ابن عباس گفت: «پس کسب اجازه بر همه‌ی مردم واجب است.»

ابن مسعود می‌گوید: باید از پدر، مادر، برادر و خواهر اجازه گرفت. جابر ﷺ می‌گوید: باید از فرزند و مادر و پدر هرچند پیر باشند و برادر و خواهر اجازه گرفته شود. امام بخاری هم اکثر این آثار را در «الأدب المفرد» خود آورده و ابن کثیر در تفسیر آیه‌ی سابق‌الذکر به بعضی از این آثار استشهاد نموده است.

۵ـ آداب دق الباب:

هرگاه قصد خانه‌ی برادر، دوست یا آشنایان خود و هرکس را کردید آهسته و به شیوه‌ی آرامی که وجودت را احساس کنند در را بکوب؛ اما نه همچون ظالمان و جلادان که سبب رعب و وحشت می‌شوند، سپس مؤدبانه داخل شو.

زنی نزد امام احمد بن حنبل ﷺ آمد تا پیرامون امور دینی خود از او سؤال کند، در را کمی تند زد، امام احمد بیرون رفت و پیش خود تکرار می‌کرد که: این چه شرط در زدن است؟!

چنان که امام بخاری در «الأدب المفرد» آورده است یاران پیامبر از روی ادب در خانه‌ی ایشان را با ناخن می‌زدند. این در حالی است که صاحب خانه نزدیک در ورودی بنشیند، اما خانه‌های بزرگی که فاصله‌ی در تا صاحب خانه زیاد است باید در عین پرهیز از تندخویی با شدت بیشتری کوبیده شود که او را خبر کند. در صفحات قبل حدیث شریف: «**إِنَّ الرِّفْقَ لَايكُونُ فِي شَيءٍ إِلَّازَانَهُ وَ لَايُنْزَعُ مِنْ شَيءٍ إِلَّاشَانَهُ**»[1] را به عرض رسانیدیم، اینک ذکر می‌کنیم که پیامبر ﷺ فرموده است: «**مَنْ يُحْرَمُ الرِّفْقَ يُحْرَمُ الْخَيْرَ كُلَّهُ.**»[2]

۱- (ترجمه و تخریج آن در ص ۹ گذشت.)

۲- روایت از مسلم.

«هر کس از لطف و نرمش در برخورد محروم باشد از همه‌ی خیر و برکت‌ها محروم است.»

هنگام زنگ زدن منزل باید بین زنگ اول و زنگ دوم فاصله‌ای بیندازی تا چنانچه کسی مشغول وضو باشد وضویش را تمام کند و کسی که مشغول نماز است با آرامش خاطر از نمازش فارغ گردد و کسی که لقمه‌ای در دهان دارد به آرامی آن را بخورد.

بعضی از علما فاصله‌ی بین دو زنگ را به مقدار چهار رکعت نماز ارزیابی کرده‌اند که شاید صاحب خانه تازه نماز را شروع کرده باشد.

اگر پس از سه بار متوالی زنگ زدن با فاصله‌های مذکور در را نگشودند و دانستید که حتماً دستش بند است، ملاقات او را به موقع دیگر موکول نمایید؛ زیرا پیامبر ﷺ فرموده است:

«إِذااسْتَأْذَنَ أَحَدُكُمْ ثَلَاثاً فَلَمْ يُؤْذَنْ لَهُ فَلْيَرْجِعْ.»

«هرگاه پس از سه بار کسب اجازه جوابی نشنیدید، منصرف شوید.»

اگر در راگشودند از ایستادن رو به روی در منزل بپرهیز و طرف چپ یا راست لنگه‌ی در را انتخاب کن؛ زیرا ابوداود روایت کرده که پیامبر خدا هرگاه به در خانه‌ی کسی می‌آمد روبه روی در نمی‌ایستاد و طرف چپ یا راست را می‌گرفت تا داخل منزل را نبیند.

٦ـ آداب ذکر نام و مشخصات خود به هنگام دق‌الباب:

هرگاه در خانه‌ی یکی از دوستانت را زدی و گفتند: کیست؟

اسم صریح و مشخص خود را بگو. نگو: یکی هستم، منم، شخصی هستم؛ زیرا این الفاظ کمکی به صاحب خانه در تشخیص کسی که در پشت در است نمی‌کند. نباید بر طنین صوت معروف خود تکیه کنید؛ زیرا ممکن است صداها به هم شباهت پیدا کنند و صاحب خانه سر در گم شود و ممکن نیست همه‌ی افراد خانه صدا و حرکات تو را تشخیص دهند.

در صحیحین آمده است که پیامبر خدا ﷺ از کسی که در خانه‌اش را می‌کوبید رنجید؛ زیرا فرمود: کیستی؟ او هم در جواب گفت: منم. فرمود: منم چه اطلاعاتی به صاحب خانه می‌دهد؟

جابربن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: پیش پیامبر رفتم و دق الباب کردم، فرمود: کیستی؟ گفتم: منم. پیامبر ﷺ فرمود: منم، منم چیست؟! مثل اینکه خوشش از جواب من نیامد. به همین خاطر یاران او به وقت دق‌الباب در جواب صاحب خانه نام صریح خود را اعلام می‌کردند. شیخین از ابوذر رضی الله عنه روایت کرده‌اند که می‌گوید: شبی از شب‌ها از خانه بیروم رفتم و در روشنایی ماه حرکت می‌کردم، ناگهان رسول خدا را دیدم که تنها حرکت می‌کرد و من را دید و فرمود: کیستی در این شب؟ گفتم: ابوذر هستم. باز هم شیخین از ام هانی، خواهر حضرت علی و عموزاده‌ی پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند که گفت: نزد پیامبر آمدم که خود را می‌شست و فاطمه لباسش را حاضر می‌کرد که بپوشد، فرمود: کیستی؟ گفتم: منم، ام هانی.

۷ـ آداب اجازه برای مهمانی و قبول عذر صاحب خانه:

هرگاه بدون وقت قبلی یا حتی براساس موعد قبلی به خدمت دوستانت رفتی و از قبول مهمان معذور بودند، عذرشان را بپذیر؛ زیرا هر کس به وضعیت خانوادگی و مشکلات خود داناتر است، چه بسا مشکل خاصی داشته باشند و تو در جریان آن نیستی، یا جریانی روی داده که فرصت مهمانداری را از آنان گرفته است. تابعی گرانقدر، قتاده‌بن دعامه سدوسی می‌گوید: «در خانه‌ی کسی توقف نکن که از پذیرش تو معذور است. تو نیازهایی داری و آنان مشکلاتی، حق آنان است که عذر خود را مطرح کنند و بر توست که معذرت آنان را بپذیری».

امام مالک می‌گفت: از هر کسی بر نمی‌آید که پرده از عذر خود بردارد، به همین خاطر پیشینیان بزرگوار به وقت زیارت دوستان خود می‌گفتند: «شاید مشکلی پیش آمده و از پذیرفتن ما معذورید؟» تا صاحب‌خانه آمادگی مطرح نمودن عذر خود را پیدا کنند. خداوند متعال به خاطر اهمیت این ادب و برای از بین بردن آثاری که ممکن است در قلب مهمان و میزبان پدید آید در مورد زیارت و کسب اجازه می‌فرماید:

﴿وَ إِنْ قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ﴾ (نور/۲۸)

«اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید! این برای شما بهتر است.»

این ادب بزرگ قرآنی مشکل کسانی را که وقت پذیرایی از مهمان را ندارند حل نموده است و مانع از آن شده که دچار تعارف بی‌مورد و دروغ شوند؛ چرا که بعضی مجبورند به خاطر عذر خود خانواده را مجبور کند که به دروغ بگویند: فلانی در خانه نیست و این اخلاق بد (دروغ گفتن) را که زیربنای دشمنی و کینه در سینه‌هاست، به فرزندان خود یاد دهند. هدایت قرآن کریم ما را از این پرتگاه دور کرده و به میزبان حق داده که با صراحت پرده از عذر خود بردارد:

﴿وَ إِنْ قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُم﴾

«اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید! این برای شما بهتر است.»

۸ـ آداب ورود به خانه‌ی میزبان:

به وقت اجازه‌ی ورود به خانه‌ی کسانی که قصد دیدارشان دارید، مواظب چشمان خود باشید که متوجه داخل منزل و عورت و اسرارخانه نگردد؛ چرا که این عیب و بی‌ادبی محسوب می‌شود. ابوداود و طبرانی از سعد بن عباده ﷺ روایت کرده‌اند که گفته است: «مردی به در خانه‌ی پیامبر آمد و از او اجازه‌ی ورود به خانه خواست، پیامبر ﷺ صورت او را از متوجه شدن به داخل خانه کنار زد و او را فرمان داد به هنگام اجازه‌ی ورود از نگاه مستقیم به داخل خانه و گوشه و کنار آن پرهیز نماید، سپس فرمود:

«اَنَّمَا جُعِلَ الْاِسْتِئْذَانُ مِنْ أَجْلِ الْبَصَرِ»

«همانا کسب اجازه به خاطر حفظ چشم است.»

امام بخاری در أدب المفرد خود می‌فرماید: ثوبان ﷺ از پیامبر نقل می‌کند و می‌گوید: حضرت رسول ﷺ فرمود: **«لَايَحِلُّ لِامْرِئٍ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى جَوْفِ بَيْتٍ حَتَّى يَسْتَأْذِنَ، فَإِنْ فَعَلَ فَقَدْ دَخَلَ.»**

«هیچ کس حق ندارد بدون اجازه داخل خانه‌ی کس دیگر را بنگرد، در صورت کسب اجازه می‌توان وارد خانه‌ی دیگران شد.»

یعنی اگر قبل از کسب اجازه به داخل خانه نگریست به منزله‌ی داخل شدن بدون اجازه است و این کار برای او حرام است.

امام بخاری باز هم در أدب المفرد از عمار بن سعید تجیبی روایت کرده که عمر بن خطاب ﷺ گفت: «کسی که قبل از کسب اجازه‌ی ورود، چشمان خود را به این سو و آن سوی داخل منزل مردم خیره کند، فاسق است.»

شیخین و دیگران از سهل بن سعد ﷺ روایت کرده‌اند که مردی که به یکی از حجره‌های پیامبر چشم دوخت، پیامبر شانه‌ای در دست داشت که با آن سرش را خارش می‌داد و فرمود: اگر بدانم به داخل خانه‌ام می‌نگری این شانه را در چشمانت فرو می‌برم، مگر نمی‌دانی کسب اجازه به خاطر حفظ چشم است؟

۹ـ آداب بیرون آوردن کفش و لباس به هنگام ورود:

هرگاه وارد خانه‌ی دوستت یا خانه‌ی خود شدی، در آمد و

رفت آرام باش و از سر و صدا و نگریستن بی‌مورد بپرهیز، کفش خود را مرتب کن و آن را در جای مناسب بگذار، کفش‌ها را بی‌نظم در پشت در رها مکن و حتی‌الامکان آداب پوشیدن کفش و کندن آن را رعایت کن: به هنگام پوشیدن کفش از راست شروع کن و به هنگام کندن از چپ؛ زیرا پیامبر ﷺ فرموده‌اند:

«أذَا انْتَعَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالْيَمِينِ وَ إذَا نَزَعَ فَلْيَبْدَأْ بِالشِّمالِ لِيَكُنِ الْيُمْنَى أوَّلَهُمَا تُنْعَلُ و آخِرَهُمَا تُنْزَعُ[۱]»

«به هنگام پوشیدن کفش از راست و به هنگام بیرون آوردن آن از چپ شروع کنید. سعی کنید پای راست در پوشیدن اول و در کندن دوم باشد».

قبل از ورود به خانه‌ی خود یا خانه‌ی دوستانت کفش‌هایت را نگاه کن و اگر آثاری از گرد و غبار روی آن بود آن را قبل از ورود به خانه تمیز کن، زیر آن را روی خاک بمال تا چیزهای کثیف را با خود به خانه حمل نکند؛ زیرا اسلام دین نظافت و لطافت است.

۱۰ـ آداب مهمانی و نشست و برخاست در منزل میزبان:

هرگز با میزبان در مورد مکان نشستن جر و بحث نکن و هر جایی را برای شما پیشنهاد کرد آنجا بنشین؛ چرا که ممکن است خودت جایی را انتخاب کنی که مشرف بر نقاط حساس خانواده باشد

۱- مسلم و دیگران آن را روایت کرده‌اند.

یا ساکنین آن را دچار سختی و حرج نمایی، بنابراین پیشنهاد میزبان را اطاعت و احترامش را پاس بدار؛ زیرا در خبر آمده است که عدی بن حاتم طائی رضی الله عنه وقتی که نزد پیامبر آمد و مسلمان شد پیامبر او را روی فرش نشاند و خود روی خاک نشست.

حافظ ابن کثیر در «البدایه و النهایه» از عدی نقل کرده که گفته است: وقتی به حضور پیامبر رسیدم من را به خانه‌ی خود برد، زیراندازی چرمی حاشیه‌دار که همچون فرش جمع شده بود بازکرد و به من فرمود: روی آن بنشین. گفتم: باید تو روی آن بنشینی. فرمود: نه جای توست. من نشستم و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روی زمین نشست.

خارجه بن زید به زیارت ابن سیرین رفت، دید که ابن سیرین روی خاک نشسته و فرشی را برای مهمانش پهن نموده است، او نیز روی خاک نشست. ابن سیرین گفت: در جای مهمان بنشین. خارجه گفت: من هم می‌خواهم همچون تو بنشینم، ابن سیرین گفت: من اجازه نمی‌دهم مهمانم همچون خودم بنشیند، پس هر جا گفتم، بنشین؛ نه جایی که صاحب خانه می‌نشیند، مگر این که تو را آنجا بنشاند؛ چرا که سرور ما فرموده است: **«وَ لا يُؤَمَّنَّ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فِي سُلْطَانِهِ وَ لاَ يَقْعُدْ فِي بَيتِه عَلَى تَكْرِمَتِهِ إلَّا بِإِذْنِهِ»**(۱)

«هیچ کس نباید کسی دیگر را در محیط خاص خانوادگی خود بگمارد و

۱- روایت از مسلم.

کسی جز به اجازه‌ی صاحب خانه نمی‌تواند در جای خاص او بنشیند.»

۱۱ـ آداب پرهیز از تجسس در مهمانی:

هرگاه وارد منزل یکی از دوستان و برادرانت شدی و تو را در جای مخصوصی نهاد یا وسایل خواب برایت آورد، همچون جاسوس‌ها به کنجکاوی گوشه و کنار منزل مپرداز، بلکه در آنجا یا محل خواب مواظب چشمان خود باش و جز برای آنچه که نیاز است چشمانت را خیره مکن. هرگز هیچ بسته‌ای را به ویژه در انبار را باز مکن و صندوق، کیف، بسته یا پرونده یا چیز نهفته و طبقه‌بندی شده‌ای را باز ننما؛ زیرا چنین عملی خلاف آداب اسلام و امانتی است که برادر، خواهر یا دوستانت بر عهده‌ی تو نهاده‌اند؛ چراکه آنان منزل و دارایی خود را به عنوان امانت در اختیار تو قرار داده‌اند. باید آداب زیارت را فراگیری و درهای حسن معاشرت را بپیمایی، آنگاه محبوب میزبان خود می‌شوی و خداوند متعال نیز تو را حفظ و حمایت می‌نماید.

۱۲ـ آداب انتخاب وقت و تعیین زمان برای زیارت:

لازم است وقت مناسبی را برای دیدار دوستان در نظر گرفت؛ (مثلاً پس از نماز عصر). باید برحسب وضعیت میزبان وقت نشست را تعیین نمایید؛ (مثلاً نیم ساعت). نباید با نشست طولانی باعث

مشکل آفرینی و تکلف و سنگینی برای میزبان شوید. سعی کنید که از ضیافت در وقت نامناسب مثل وقت نهار یا وقت خواب یا مسافرت یا از سفر برگشتن و یا استراحت خودداری نمایید. امام نووی ﷺ در کتاب (الأذکار) در اواخر (باب فی مسائل تتفرع علی السلام) می‌گوید: برای مسلمان به تأکید مستحب است که شایستگان، برادران، همسایگان، دوستان و خویشاوندان را زیارت نماید و آنان را مورد احترام و تفقد و دلجویی قرار دهد که دیدار با هر یک از این دسته‌ها برحسب وضعیتشان مختلف است، باید وضعیت هر یک رعایت گردد و به گونه‌ای مورد تفقد قرار گیرند که دلخور نشوند؛ وقتی برای زیارت با آنان انتخاب شود که راضی باشند و در این مورد احادیث و آثار زیادی وجود دارند.

۱۳ـ آداب معاشرت در زیارت با بزرگ و کوچک:

هنگامی که به دیدار کسی رفتی در صورت صحبت کردن باید صحبت کوتاه و مناسب حال او باشد و چنانچه تمام اهل مجلس از تو بزرگ‌تر بودند حتی الامکان سعی کن که سکوت نمایی مگر کسی از شما سؤال کند یا با صحبت خود آنان را متوجه مسائل مهم و مناسب برای آن مجلس نمایی و باعث سرور و خشنودی ایشان گردی. از سخن طولانی در مجلس بپرهیز و هرگز آداب نشستن در مجلس و شیوه‌ی سخن گفتن را فراموش نکن.

١٤ـ آداب سلام بر اهل مجلس و اولویت اهل فضل:

به هنگام ورود به مجلس، اهل آن را سلام کن و چنانچه قصد مصافحه (دست دادن) نمودی از اهل فضل یا عالم‌تر یا پرهیزگارتر یا بزرگ‌تر و دارنده‌ی دیگر صفات برتر شروع کن و آن را از دست راست او ادامه ده، نه این که هر کس در اول یا دست راست قرار دارد در اولویت و اهل فضل را در آخری قرار دهی، اگر اهل فضل را نشناختی یا همه از نظر فضل و علم هم سطح بودند، از بزرگ‌تر شروع کن؛ چون بزرگ‌تر مشخص است. شیخین از پیامبر درباره‌ی دو برادری که خواستند مشکل خود را پیش او مطرح کنند روایت کرده‌اند که فرمود: **«كَبِّرْ كَبِّرْ»**:

«اول برادر بزرگ صحبت کند»

در روایتی آمده است: **«كَبِّرْ الْكِبَرَ فِي السِّنِ»**:

«حق را به بزرگ‌تر از خود بده.»

یا چنان که ابویعلی و طبرانی در «الأوسط» روایت کرده‌اند: **«ابْدَؤُا بِالكُبَراءِ (یا) بِالأكَابِرِ»**:

«از بزرگان شروع کنید.»

١٥ـ آداب نشست و برخاست با مهمانان:

هرگاه وارد مجلسی شدی که دو نفر نشسته بودند، در طرف

راست یا چپ آن دو بنشین نه بین آنان؛ زیرا سرور ما، رسول خدا ﷺ فرموده است: «**لَاتَجْلِسْ بَيْنَ رَجُلَيْنِ إِلَّا بِإِذْنِهِمَا**»[۱]

«بین دو نفر جز به اجازه‌ی آنان منشین.»

کسی که بین دو نفر می‌نشیند و محترمانه جا را برای او باز می‌کنند مستحب است که خود را جمع کند نه اینکه چهار زانو بنشیند.ابن الأعرابی می‌گوید: بعضی از حکیمان گفته‌اند: دو نفر ستمگرند؛ اول کسی که نصیحت شده و حال آن که نصیحت را تبدیل به گناه می‌کند! دوم کسی که جا را برایش می‌گشایند و چهارزانو می‌نشیند. هرگاه پیش دو نفر نشستی در سخنانش تجسس مکن، مگر این که سخن عمومی و واضح باشد، اگر به تجسس و جستجو بپردازی کار غیر اخلاقی و گناه انجام داده‌ای؛ زیرا سرور ما فرموده است: «**مَنِ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ أَوْ يَفِرُّونَ مِنْهُ صُبَّ فِي أُذُنِهِ الْآنُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**»[۲]

«کسی که به سخن کسانی گوش فرا دهد که دوست نداشته باشند یا از او گریز دهند در قیامت گلوله‌ی مذاب را در گوش‌هایش فرو می‌برند.»

بدان که در مجلس سه نفری درست نیست درگوشی با دوستت صحبت کنی؛ چرا که با این کار شخص سوم را از مجلس حذف و وحشت زده و دچار گمان‌های ممکن و ناممکن کرده‌ای. این

۱- روایت از ابوداود.

۲- بخاری و دیگران آن را روایت کرده‌اند.

شیوه‌ی اخلاق اسلامی نیست و پیامبر ﷺ آن را نفی کرده و فرموده است: **«لا يَتَنَاجَى اثْنَانِ بَيْنَهُما الثَّالِثُ»**[1]

«دو مسلمان در مجلس سه نفری با هم درگوشی صحبت نمی‌کنند.»

پیامبر این پیام را به صورت نفی و جمله‌ی خبری **«لا يَتَنَاجَى»** فرموده نه نهی (**لا يَتَنَاجَ**)، تا چنان وانمود سازد که چنین شیوه‌ای برای مسلمانان قابل تصور نیست یا مسلمانان چنین کاری انجام نمی‌دهند تا نهی شوند؛ چون خطایی است که خطا بودنش از روی فطرت معلوم است. مالک و ابوداود این حدیث را از عبدالله بن عمر، روایت کرده‌اند. راویان از ابن عمر پرسیدند که اگر چهار نفر باشند باز اشکال دارد یا نه؟ در جواب گفت: در آن صورت سخن خصوصی و درگوشی اشکال ندارد.

١٦ـ آداب برخورد با بزرگان:

همواره باید جایگاه و حقوق بزرگ‌تر از خود را شناخت. باید در راه رفتن با بزرگ‌تر از خود از جهت راست و کمی عقب‌تر از او حرکت کرد و در داخل شدن و بیرون رفتن او را جلو انداخت و هنگام برخورد سلام و احترامش را به جا آورد. هنگام صحبت کردن با هم به بزرگ‌تر از خود امکان دهید که سخنانش را قبل از شما بگوید، با

١- روایت از مالک و ابوداود.

نهایت سکوت و وقار به سخنانش گوش فرا دهید و اگر سخنی نیاز به مناقشه و تبادل نظر داشت با آداب سخن‌گویی و آرامش و سکینه با او به گفت و گو بپردازید و به هنگام خطاب و ندا احترام او را فراموش نکنید. اینک در این مورد به چند اثر اشاره می‌کنیم: دو برادر به خدمت پیامبر رفتند تا حادثه‌ای را که برایشان پیش آمده بود مطرح کنند، برادر کوچک سخن را آغاز کرد. حضرت فرمود: «**كَبِّرْ كَبِّرْ**»

احمد، حاکم و طبرانی از عباده‌بن صامت از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند که: «**لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَجِلَّ كَبِيرَنَا وَ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ يَعْرِفْ لِعَالِمِنَا حَقَّهُ**»

«کسی که بزرگان ما را مورد احترام و کوچکان ما را مورد ترحم قرار ندهد و حق عالمان را نشناسد از ما نیست.»

در روایت دیگر عبارت: «**لَيْسَ مَنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا**» آمده است.

۱۷ـ آداب همنشینی:

به پیامبر گوش فراده که آداب صحبت و اجتماع و تقدیم بزرگ به کوچک را به جوانان نشان می‌دهد.

شیخین از صحابی جلیل، مالک‌بن حویرث روایت می‌کنند که می‌گوید: «ما تعدادی جوان همسن و سال به خدمت پیامبر رفتیم و حدود بیست شب در خدمت ایشان ماندیم. پیامبر ﷺ که خیلی

مهربان و با لطف بود خیال می‌کرد که با خانواده‌ی خود قهرکرده‌ایم و درباره‌ی خانواده‌هایمان از ما سؤال فرمود و ما هم پاسخ دادیم. فرمود: «پیش مردم خود برگردید و امور دینی را به آنان یاد دهید و کارهای معروف را به ایشان امر کنید و هرگاه وقت نماز فرا رسید یکی از شما اذان بگوید و بزرگ‌تر شما امامت کند».

حافظ ابن رجب حنبلی ﷺ در بیوگرافی فقیه بزرگوار ابوالحسن علی بن مبارک کرخی ـ که در سال ۴۸۷ وفات کرده و شاگرد امام فقیه قاضی أبی یعلی حنبلی، شیخ حنابله در عصر او بوده ـ می‌گوید: روزی که با قاضی ابویعلی قدم می‌زدم به من گفت: هرگاه با بزرگ‌تر از خود راه رفتی چگونه با او قدم می‌زنی؟ گفتم: نمی‌دانم. گفت: مانند امامت از جهت راست و کمی عقب‌تر از او حرکت کن جهت چپش را خالی بگذار تا در صورت سرفه یا هر پدیده‌ی دیگر راحت باشد.

۱۸ـ آداب اولویت‌بندی در پذیرایی از مهمانان:

به خاطر پیروی و عمل کردن به راهکارهای پیامبر ﷺ، بزرگان و اهل فضل و احترام را در اولویت قرار دهید و کارهای جمعی را از آنان شروع نمایید و بعد از آنان کسانی که در جهت راستشان قرار دارند ادامه دهید؛ زیرا علاوه بر فرمایش پیامبر ﷺ که فرمود: **«كَبِّرْ كَبِّرْ»** یعنی اجازه بده ابتدا برادر بزرگت سخن بگوید و فرمود:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُجِلَّ كَبِيرَنَا و يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ يَعْرِفْ لِعَالِمِنَا حَقَّهُ»:

«کسی که بزرگان ما را مورد احترام و کوچکان ما را مورد ترحم قرار ندهد و حق عالمان را نشناسد از ما نیست.»

مسلم در صحیح خود در (باب آداب طعام و شراب واحکام) روایت کرده که حذیفه‌بن یمان ﷺ گفت: «هنگامی که بر سر سفره خوانده می‌شدیم قبل از پیامبر ﷺ شروع نمی‌کردیم.»

امام نووی ﷺ درکتاب «ریاض الصالحین» باب مخصوصی در مورد این موضوع نگاشته و احادیث زیادی را در آن گرد آورده است که به طور خلاصه به بسیاری از آنها اشاره خواهیم کرد:

امام نووی ﷺ در این باب که عنوان آن را (باب بزرگداشت علماء، بزرگان و أهل فضل و برتریشان بر دیگران در نشست و برخاست و اعتراف به جایگاهشان) نام نهاده است می‌گوید:

خداوند متعال فرموده است: **﴿هَلْ يسْتَوِی الَّذِينَ يعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يعْلَمُونَ؟ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَاب﴾** (زمر/۹)

«آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که پند می‌گیرند.»

ابومسعود، عقبه بن عمرو بدری انصاری ﷺ نقل کرده که پیامبر ﷺ گفته است: «**يؤُمُّ الْقَوْمَ أَقْرَؤُهُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ فَإِنْ كَانُوا فِی الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَعْلَمُهُمْ بِالسُّنَّةِ فَإِنْ كَانُوا فِی السُّنَّةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هِجْرَةً فَأَنْ**

كَانُوا فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ سِنّاً»[۱]

«کسی که بیشتر از همه به قرآن آشناست امامت نماز را بر عهده می‌گیرد، اگر همه در قرائت قرآن مساوی بودند، آنکه بیش از همه بر سنت آشناست، اگر همه در شناخت سنت مساوی بودند، کسی که قبل از همه هجرت کرده و اگر در سابقه‌ی هجرت هم مساوی بودند، کسی که سنش از همه بیشتر است.»

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه نقل کرده که پیامبر ﷺ گفته است: «لِيَلِنِي مِنْكُمْ أُولُوا الْأَحْلَامِ وَ النُّهَى ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ»[۲]

«سابقین اول و میانسالان پشت سر من بایستند و به همین ترتیب صف نماز را مرتب کنید.»

امام بخاری از جابر روایت کرده که پیامبر هنگام دفن شهدای احد دو نفر را در یک گور دفن می‌کرد. او هنگام دفن می‌پرسید که کدامشان سهم بیشتری از حفظ قرآن دارد؟ هر کدام را که سهم بیشتری از حفظ یا تفسیر قرآن داشت قبل از دیگری به خاک می‌سپرد.

امام مسلم از ابن عمر رضی الله عنهما نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود: در خواب دیدم که دندان‌هایم را مسواک می‌کردم. دو مرد پیش من آمدند و سواکی به مرد کوچک دادم که به من گفته شد: اول بزرگ. من هم سواک را به مرد بزرگ دادم.

۱- روایت از مسلم.
۲- روایت از مسلم.

ابوموسی اشعری می‌گوید: پیامبر فرمود:

«إِنَّ مِنْ إِجْلاَلِ اللَّهِ إِكْرَامَ ذِى الشَّيبَةِ الْمُسْلِمِ وَ حَامِلِ الْقُرْآنِ غَيْرِ الْغَالِى فِيهِ وَ الْجَافِى عَنْهُ وَ إِكْرَامَ ذِى السُّلْطَانِ الْمُقْسِطِ.»[1]

«یکی از لطف‌های خداوند متعال به انسان، احترام میانسالان، حاملان قرآن (البته که نه در آن تکلف می‌کنند و نه چیزی از آن می‌کاهند) و احترام حاکمان دادگر است.»

میمون بن أبی شبیب ﷺ روایت کرده که عائشه ﷺ با سائلی برخورد کرد و تکه نانی به او داد، اما مردی با سیما و هیأت مشخصی با او برخورد کرد، عایشه او را به خانه دعوت کرد و اطعام نمود. وقتی که دربارهٔ این دو برخورد مختلف از او سؤال کردند، گفت: پیامبر ﷺ فرموده است: **«أَنْزِلُوا النَّاسَ مَنَازِلَهُمْ»**[2]

«هر کس را در جایگاه خود قرار دهید.»

شیخین از ابوسعید، سمره بن جندب ﷺ روایت کرده‌اند که گفته است: «من در زمان پیامبر ﷺ کودکی بودم که قرآن را از او حفظ می‌کردم، جز در جایی که بزرگ‌تر از خودم حضور داشت هرگز من را از سخن گفتن منع نمی‌کرد.»

این بود مختصری از آنچه که امام نووی آورده است.

۱- حدیث حسن از ابوداود.

۲- روایت از ابوداود. حاکم در «معرفة علوم الحدیث» آن را صحیح دانسته است.

پس سنت بر این است که از بزرگ‌تر، یا عالم‌تر شروع نماییم. در هر جمعی شخصی حضور دارد که از بقیه بزرگ‌تر، عالم‌تر، تیزهوش‌تر یا دارای حافظه‌ای بیشتر، یا شرف پیشوایی و رهبری، یا شرف جهاد در راه خدا، یا شرف سخاوت و بخشش در راه خیر و غیره باشد. سنت است که در پذیرایی و احترام ابتدا از این افراد شروع شود و پس از چنین فردی با کسانی که در طرف راستش قرار دارند پذیرایی ادامه یابد تا بین نصوصی که طرف راست را در اولویت قرار داده‌اند و نصوصی که سن بزرگ‌تر را در اولویت قرار داده‌اند توفیق حاصل شود؛ مانند: «كَبِّرْ كَبِّرْ»، «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوَقِّرْ كَبِيْرَنَا...»، و دیگر احادیثی که ذکر شد.

بعضی از مردم اشتباهاً یا به علت سوء فهم نصوص و عدم تطبیق صحیح آن و استناد به احادیثی که طرف راست را در اولویت قرار می‌دهند، خیال کرده‌اند که سنت بر این است هرکس در طرف راست قرار داشته باشد در اولویت است، اما این در حالی است که همه‌ی حاضرین مساوی و در خصال فضل و سن تقریباً همسطح باشند که در آن صورت از هر کس که در طرف راست قرار دارد آغاز می‌شود و اگر در میان این افراد که در همه‌ی خصوصیات همسطح هستند کسی یافت شود که از همه بزرگ‌تر باشد باید در اولویت قرار گیرد؛ چون سن بیشتر مقتضی احترام بیشتر است.

امام ابن رشد ﷺ در کتاب پرمایه و ارزشمند «البیان و

التحصیل» می‌گوید: «اگر اهل مجلس در یک سطح یا نزدیک به هم باشند باید از راست شروع کرد. این روش حافظ اخلاق است و از برتری‌طلبی و بی‌نظمی جلوگیری می‌کند؛ اما اگر عالم، فاضل، یا میانسالی در آنجا بود، صرف نظر از جایی که در آنجا نشسته، سنت است از او شروع شود و کار از طرف راست او ادامه یابد؛ زیرا برای پیامبر ﷺ آب دوغ آوردند و از آن خورد و در طرف راستش یک عرب بادیه نشین و در طرف چپش ابوبکر صدیق حضور داشتند، پیامبر آب دوغ را پس از خود به عرب بادیه‌نشینی داد که در جهت راستش قرار داشت.

کسی که از او آغاز می‌شود باید پس از خود ترتیب را به همنشین طرف راستش بسپارد هر چند کسی که در طرف چپش است عالم، فاضل یا میانسال باشد، مگر این که از همنشین جهت راست اجازه بگیرد؛ زیرا پیامبر ﷺ نوشیدنی نوشید و در طرف راستش کودکی و در طرف چپش پیرمردی قرار داشت و به کودک گفت: «اجازه می‌دهی نوبت تو را به این میانسال بدهم؟» کودک گفت: نه به خدا، اجازه نمی‌دهم نوبتم که پس از تو شروع شده به کسی دیگر داده شود، پیامبر هم به طور جدی و قطعی ظرف آب را به دست او داد تا بیان کند که بر حق است.

پس چنان که بیان داشتیم آغاز از راست مشروع است مگر این که امتیازی از امتیازهای طبیعی مذکور آن را بر هم بزند و در صورت

وجود اوصاف مذکور شریعت اسلام به آنها احترام نهاده و اعتراف به شرف و فضیلت مطلوب است.

برخی چنان گمان می‌کنند که باید پذیرایی را از راست شروع کرد هر چند کسانی که در جهت راست قرار دارند کودک و بچه باشند، یا باید از ابتدای مجلس یا از راننده یا سرشناس قوم یا رئیس عشیره یا تاج مجلس آغاز کرد و عالم شکوهمند، یا امیر خوشفکر و توانا، یا پدربزرگ و پدر یا عموی فاضل ممکن است بعد از آنها قرار گیرند.

آیا چنینی روشی در فقه اسلامی و آداب زیبای آن صحیح است؟! چه بسا در چنین روشی مرد میانسال یا عالم فاضل پس از ده یا بیست نفر نوبتش برسد که لیوانی آب بنوشد! فقه اسلامی و آداب آن منظم‌تر از آن است که آداب و روش‌های فطری را دستخوش اختلال و بی‌نظمی کند.

اگر در مجلس شخصی تقاضای آب و غیره کرد باید آن را قبل از همه به او بدهند؛ چون او خواسته است و پس از او از طرف راست به دیگران می‌رسد، هر چند این فرد از نظر سنی کوچک‌تر و از نظر شخصیتی ضعیف‌تر از همه باشد. کسی که چنین تقاضایی کرده است اگر به بزرگ‌تر یا عالم‌تر از خود تعارف کرد، یا به خاطر آداب اسلامی آنان را بر خود برتری داد، کار نیکی کرده و به مجلس صفا بخشیده و شخصیت خود را نشان داده و اجر بیشتری کسب کرده است.

۱۹ـ آداب برخورد با والدین و نحوه‌ی صدا زدن آنان:

آداب اسلامی را در برخورد با والدین کاملاً مراعات نمایید؛ چراکه والدین بیش از همه بر شما حق دارند. شیخین روایت کرده‌اند که مردی به خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت: چه کسی بیش از همه سزاوار است که به او نیکی کنیم پیامبر فرمود: «مادرت، مادرت، مادرت، سپس پدرت، سپس کسانی که پس از پدر به تو نزدیک‌ترند.»

هشام‌بن عروه از پدرش نقل می‌کند که ابوهریره مردی را دید که جلو مردی دیگر حرکت می‌کرد و گفت: این مرد که دنبالت است کیست؟ گفت: پدرم است. ابوهریره گفت: هرگز جلو او حرکت مکن و قبل از او منشین و با اسم خودش صدایش مزن.[1]

ابن وهب حکایت کرده که امام عبدالرحمن بن قاسم عتقی مصری، شاگرد امام مالک بن انس، متولد ۱۳۲ و متوفی ۱۹۱ ـرحمت خدا بر وی باد!ـ مشغول حفظ و مطالعه‌ی کتاب «موطأ» بود ناگهان برخاست و مدت زیادی سر پا ایستاد، به او گفته شد: چرا این همه مدت سرپا ایستاده بودی؟ گفت: مادرم برخاست و برای کاری پایین آمد و من هم به پاس احترامش به پا خواستم تا کارش را انجام داد و بالا رفت. تابعی بزرگوار، طاووس بن کیسان گفته است: «احترام چهار

۱- روایت از بخاری در «الأدب المفرد» و عبدالرزاق در «مصنفه» و لفظ از او.

شخص سنت است: عالم، میانسال، رهبر و والدین. ظلم است کسی پدرش را به نام خود صدا زند.»

۲۰ـ آداب نیکی با والدین و واجب بودن آن:

امام حافظ ابن عبدالبر ﷺ در آخر کتاب «الکافی» از فقه سروران مالکی می‌گوید: نیکی به والدین فرض لازم و این امر برای کسانی که خدا یاریشان دهد آسان و ساده است.

نیکی به والدین عبارت است از: تواضع، سخن نرم و زیر، ننگریستن به آنان جز به محبت و احترام، عدم پیشی گرفتن از آنان در سخن، مگر این که بخواهد ذهنشان را متوجه چیزی کند، قرار دادن نعمت‌ها و امکانات خود در اختیار ایشان و اولویت دادن به آنان در خوردن و نوشیدن.

هرگز نباید در راه رفتن، قدم زدن، سخن گفتن در مجلس و در جاهای دیگر که مقتضی رعایت حق بزرگی است از پدر پیشی گرفت.

همواره باید از رنجاندن والدین پرهیز کرد و در شاد نمودن و مسرت بخشیدن به آنان سعی و تلاش نمود.

مسرت بخشیدن به والدین بهترین نیکی در حق آنان است و در صورت امکان باید بی‌درنگ به خواسته‌های آنان جامه‌ی عمل پوشاند.

مسلمان در وقتی که والدینش خواسته‌ای دارند، می‌تواند

نمازهای سنت را هر چه سریع‌تر بخواند و حتی می‌تواند به خاطر آنان در صورت لزوم از خواندن نماز سنت صرف نظر کند و جز سخن محترمانه هرگز نباید چیزی به آنان بگوید.

پدر و مادر هم موظفند که زمینه‌ی احترام و قدرشناسی را در فرزندان خود به وجود آورند؛ زیرا احترام و نیکی با والدین عبادت است و زمینه‌سازی آن نیز عبادت است.

۲۱ـ آداب استقبال از مسافر و برخورد با استقبال‌کنندگان:

هرگاه به استقبال والدین، خویشاوندان، بزرگواران و دوستان رفتید، یا از سفر به میانشان برگشتید، باید مواظب نظافت اعضاء، زیبایی شکل و نظمی که مظهر شخصیت توست باشی. اگر آنان در حدی کم‌تر از تو هستند باید نظافت، زیبایی و نظمی داشته باشی که لایق شخصیت شماست و اگر در حد بالاتر از تو هستند باید در این مورد کم نیاوری؛ زیرا چشم از دیدن زیبایی‌های هماهنگ و شکل‌های قشنگ و نظم‌های کامل شادمان می‌شود.

هرگز نسبت به سامان بخشیدن به سر و سیمای خود کوتاهی نکن؛ چراکه بی‌نظمی در شکل و سیما مانع شادی ملاقات می‌شود و آنچه را که مایه‌ی روشنی چشم و شکوه و محبت است می‌رباید. هدایت بخشنده‌ی نبوی و سخنان پیامبر امی ـ صلوات‌الله علیه و سلامه ـ بر این نکته اشاره دارند؛ چنان که پیامبر می‌فرماید:

«إِنَّكُمْ قَادِمُونَ عَلَى إِخْوَانِكُمْ فَأَحْسِنُوا لِبَاسَكُمْ و أَصْلِحُوا رِحَالَكُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَأَنَّكُمْ شَامَةٌ فِي النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُحْشَ وَ لاَ التَّفَحُّشَ»

«شما اینک قصد حضور در میان برادرانتان دارید، پس لباس‌هایتان را مرتب و وسایل و سر و سیمای خود را منظم و اصلاح نمایید، به صورتی که تبدیل به گل خوشبوی مجلس شوید، همانا خداوند زشتی و بد زبانی را دوست ندارد.»

اگر برایت ممکن است هدیه‌ای تهیه کن تا به کسی که از سفر برگشته یا به دیدار تو آمده بدهی و تا حدودی هدیه‌ی او را جبران نمایی؛ زیرا چشم به قشنگی‌های ملاقات دوخته می‌شود و انتظار و نفس انسانی چیزهایی می‌طلبد و احساس و شعور ظاهر و ناخودآگاه شاد و مسرور می‌گردد، آری هدیه چنین کاری می‌کند و به همین خاطر پیامبر ﷺ فرموده است: «**تَهادَوا، تَحابُوا**»(۱)

«به همدیگر هدیه دهید که یکدیگر را دوست خواهید داشت.»

چنانکه از سلف صالح به جا مانده آنان هرگاه از سفر بر می‌گشتند با خود هدیه می‌آوردند؛ هر چند چوب اراک (سواک) هم باشد.

۱-روایت از بخاری

۲۲ـ آداب مهمانداری در خوردن و نوشیدن و وضو گرفتن:

هرگاه مهمانی به منزل شما آمد باید آداب مهمانداری را رعایت و احترام مهمان را به جای آوری. منظور این نیست که در پذیرایی و خوراک و نوشیدنی به اسراف و ریخت و پاش و تکلف بپردازی؛ چراکه سنت و شریعت بر اعتدال و میانه‌روی تأکید دارند. بلکه منظور این است که جای نشستن، استراحت و خواب مناسب را برایش فراهم نمایی، قبله‌ی منزل و جای طهارت و وضو و... را به او نشان دهی.

اگر پس از وضو و شستن دست و صورت حوله‌ای به او دادی که دست و صورتش را خشک کند، نباید حوله‌ای باشد که مورد استفاده‌ی خود و فرزندانت است. در صورت امکان مواد خوشبو و آینه در اختیارش بگذار تا خود را خوشبو و سر و سیمایش را سامان بخشد؛ زیرا چنان که امام بخاری در ادب المفرد نقل می‌کند سلف صالح به وقت دید و بازدید سر و سیمای خود را سامان می‌بخشیدند.

وسایل نظافت و پاکیزگی و رختخوابی که در اختیار او می‌گذاری حتماً باید پاک و تمیز باشد و قبل از این که وارد حمام شود باید وسایل شخصی و خانوادگی را که دیدن آن برای مهمان جایز نیست برداری و از انظار او پنهان نمایی.

سعی کن که فرصت مناسبی برای استراحت در اختیار او بگذاری تا در فضایی به دور از سر و صدای بچه‌ها و زد و خورد

ظروف آشپزخانه استراحت کند. حرمت خانواده و احترام مهمان و میزبان اقتضا می‌کند که لباس و وسایل زنانه دور از انظار مهمان باشد، تجمل دور از تکلف و خدمت و تقدیری که ناشی از ذوق سلیم است مطلوب می‌باشد و نباید برخوردهای زیبا و خوش‌رفتاری، در شوخی‌های بی‌مزه و تساهل اخلاقی را باز کند.

هرگاه به مهمانی یکی از دوستان یا خویشاوندان رفتی سعی کن بی‌تکلف و بی‌دردسر و زحمت شرایط و اوقات کاری او را مدنظر داشته باشی و حتی‌الامکان سعی کن وقت دیدار را کوتاهتر نمایی؛ زیرا هر انسانی ارتباطات، وظایف و مسؤولیت‌های آشکار و پنهان دارد، پس با میزبانت آسان بگیر و او را در مشکلات و انجام عمل و ادای وظایف کمک کن. در مدت زمانی که در منزل او به سر می‌بری از تجسس و کنجکاوی پرهیز کن و اگر برحسب اتفاق تو را به اتاقی غیر از اتاق مهمان برد مواظب چشمان خود باش؛ چه بسا در آن اتاق چیزهایی وجود داشته باشد که دیدن آنها برای تو خوشایند و زیبنده نیست و در سؤال کردن فضولی مکن.

۲۳ـ آداب اسلامی در عیادت بیمار و ثواب آن:[۱]

یکی از حقوق برادر مسلمان بر تو این است که هرگاه

۱- نویسنده این موضوع را به سه بخش تقسیم کرده بود که آن را در یک بخش مناسب دیدم. «مترجم»

مریض شد به عبادتش بروی؛ عیادت نشانه‌ی تعهد و به منزله‌ی آبی است که رابطه‌ی برادری را محکم و درخت اخوت را سیراب می‌کند، علاوه بر این منجر به کسب پاداش و ثوابی می‌شود که مسلمانان از آن بی‌نیاز نیستند. پیامبر سرور ﷺ فرموده است:

«مَنْ عَادَ مَرِيضاً لَمْ يَزَلْ فِي خُرْفَةِ الجَنّةِ قِيلَ يا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خُرْفَةُ الْجَنَّةِ قَالَ جَنَاهَا»[1]

«هر کس مریضی را عیادت کند، پیوسته در میان «**خُرْفَةُ الْجَنَّة**» خواهد بود. گفتند: ای رسول خدا! «**خُرْفَةُ الْجَنَّة**» چیست؟ فرمود: میوه‌های بهشت.»

«مَنْ عَادَ مَرِيضاً لَمْ يَزَلْهُ يَخُوضُ فِي الرَّحْمَةِ حَتَّى يَجْلِسَ، فَإِذَا جَلَسَ اغْتَمَسَ فِيها.»[2]

«کسی که به عیادت مریضی می‌رود تا می‌نشیند در رحمت خدا شناور است و همین که نشست در رحمت خدا غوطه‌ور می‌شود.»

نباید فراموش کرد که عیادت مریض دارای آدابی است که باعث رفع کسالت، بالا بردن معنویت، کاهش درد، افزایش صبر برای بیمار و کسب پاداش بیمار و عیادت‌کننده می‌شود، که این آداب عبارتند از:

۱ـ عیادت‌کننده نباید بیش از حد نزد مریض بماند؛ زیرا برخی از بیماری‌ها مقتضی استراحت و سکوت و آرامش است.

۱- روایت از مسلم و غیره.

۲-روایت از امام احمد و صحیح ابن حبان.

برخی عیادت مریض را به نشستن خطیب بین دو خطبه در نماز جمعه تشبیه نموده‌اند و اکثراً به پرهیز از سخن زیاد و تکلف در نشست و برخاست توصیه کرده‌اند و ابراز داشته‌اند: همین کافی است که به بیمار بگویی: چطوری؟ خدا شفایت دهد!

امام حافظ ابن عبدالبر ﷺ در آخر کتاب «الکافی» از فقه سروران مالکی می‌گوید: «هر کس فرد سالم را زیارت یا مریضی را عیادت می‌کند هر جا را میزبان پیشنهاد کرد آنجا بنشیند؛ زیرا صاحب خانه به شرایط منزل و خانوادگی خود آگاهتر است. عیادت مریض هم سنت مؤکد است و بهترین عیادت سهل‌ترین آن است، پس عیادت‌کننده نباید بیش از حد نزد مریض بماند، مگر این که از دوستانی باشد که حضور او در جوار مریض باعث کاهش درد و افزایش امید و صحت او شود.

۲ـ کسی که به عیادت مریض می‌رود باید لباس تمیزی بر تن داشته باشد که بوی مطبوع و پاکیزگی از آن به مشام برسد؛ اما پوشیدن لباس مزین یا لباس شادی و بوی عطرهای تند در عیادت مناسب نیست؛ چه بسا ضعف جسمی و کسالت مریض تحمل چنین شکل و رایحه‌ی تندی را نداشته باشد.

۳ـ سزاوار نیست که عیادت‌کننده اخبار ناگوار و حزن‌انگیز را به مریض بدهد یا چیزهایی بگوید که باعث ناامیدی و ضعف روحی او شود؛ مانند خبر کساد تجارتی که به بیمار ربط دارد یا خبر فوت یا بیماری یکی از دوستان که به کسالت بیمار بیفزاید یا او را غمگین و

بیماریش را از نظر جسمی یا روحی تشدید کند.

۴ـ سزاوار نیست که عیادت‌کننده به بررسی مرض بیمار بپردازد، مگر اینکه تخصص پزشکی داشته باشد. نباید دارو یا غذای خاصی را به بیمار پیشنهاد کند که خود از آن سود برده یا شنیده است که مفید است؛ چه بسا بیمار با پیشنهاد او از روی نادانی یا شدت درد چنین داروهایی را مصرف و پزشکش را دچار سردرگمی کند و اسباب هلاک خود را فراهم نماید.

۵ـ سزاوار نیست که عیادت‌کننده در حضور بیمار، پزشکش را زیر سؤال ببرد، مگر این که اهل دانش و تخصص پزشکی باشد و راهکار و توصیه‌های پزشکی بهتری ارائه دهد؛ چراکه با این کار بیمار را دچار شک و تردید در توصیه‌های پزشکی می‌نماید.

٢٤ـ آداب اسلامی در رساندن اخبار اضطراری و ناگوار:

هرگاه ناچار شدید که خبر ناخوش یا حادثه‌ی ناگوار فامیل یا عزیز و نزدیک دوستت را به او اعلام کنی باید با حساسیت کامل و ایجاد زمینه‌ی مناسب آن را مطرح نمایی تا فردی که خبر را به او می‌دهی دچار صدمه‌ای ناگوار نگردد؛ مثلا می‌توانی بگویی:

«سرنوشت همه مردن است، شنیده‌ام که فلانی خیلی مریض بود، اما اینک بیماریش شدت یافته و تازگی فوت کرده است، خدا رحمتش کند!»

هرگز خبر را بدین شیوه ابراز ندارید که: «می‌دانی امروز چه کسی مرد؟!» یا: «امروز فلانی مرد...»

باید قبل از رساندن خبر فوت اسم متوفی را ذکر کنی؛ چون وقتی می‌گویی: می‌دانی امروز چه کسی فوت کرد؟ یا امروز فلانی فوت کرد، اخبار سهمناکی به ذهن مخاطب مخابره می‌شود و چنان می‌پندارد که مرده نزدیک‌ترین کس او مثل پدر، برادر یا یکی از دوستانش است و به همین سبب وحشت‌زده می‌شود.

اما اگر بگویی فلان شخص امروز فوت کرد و اسم متوفی را ذکر کنی تحمل خبر را بر او آسان می‌نمایی و از اینکه او را دچار شوک نمایی جلوگیری می‌کنی و اصل خبر می‌ماند که حزن‌آور و ناخوشایند است که آن هم طبیعی است.

همچنین اخبار آتش‌سوزی یا غرق شدن و دیگر حوادث را باید با تأنی، حساسیت، واضح و پرهیز از ایجاد شوک و اضطراب به مخاطب رساند و هرگز نباید با صدای تند و احساساتی مخاطب را در جریان خبر بگذاری؛ زیرا مقاومت برخی از قلب‌ها ضعیف است، چه بسا به سبب همان خبر به شدت صدمه ببیند و چه بسا افرادی در این حالات با تشنج یا بیهوشی مواجه شوند یا دچار سکته‌های خفیف و شدید گردند، پس اگر ناگزیر از رساندن خبر هستی به آرامی و با زمینه‌سازی آن را ابلاغ کن.

باید در زمان مناسبی خبر را برسانی، پس جایز نیست بر سر

سفره‌ی غذا یا قبل از خواب یا در حالت بیماری و کسالت و خستگی خبر ناگوار را اعلام کنی، بلکه اگر کسی که قرار است خبر را به او برسانی بر سر سفره است یا قصد خواب دارد یا بیمار یا خسته و آشفته است، خبر را به وقت مناسب دیگری موکول کن.

همانا حکمت و زیرکی در این موارد بیشترین نقش را بازی می‌کند.

امیدوارم خداوند حامی و پشتیبانت باشد.

۲۵ـ آداب تعزیه و مواساتِ و دعای رحمت و غفران برای مرده:[۱]

هرگاه یکی از دوستانت، عزیز یا یکی از بستگان و دوستانش را از دست داد، تعزیه‌ی عزیزش را فراموش و مورد تساهل قرار مده؛ زیرا خویشاوندی و دوستی مقتضی مشارکت در غم و حادثه‌های ناگوار یکدیگر است. اگر برایت ممکن بود در تشییع جنازه مرده تا سپردنش به قبر شرکت کن؛ زیرا تشییع جنازه باعث اجر و پاداش بزرگ است که موعظه‌ای رسا و ساکت در پی دارد و سرنوشت حتمی را به شرکت‌کنندگان نشان و آن را مورد تأکید قرار می‌دهد، گویا

۱-نویسنده این موضوع را به دو بخش تقسیم کرده بود که آن را در یک بخش مناسب دیدم. «مترجم»

شرکت کننده در تشییع جنازه به مرده می‌گوید:

و كانت فی حياتك لی عظات   فأنت اليوم أوعظ منك حـيا

«زندگی تو شامل پندهایی بود که مرگ امروزت پند بیشتر از آن برایم دارد».

حضرت رسول ﷺ فرموده است: «**حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ رَدُّ السَّلاَمِ وَ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ وَ اتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ...**»[۱]

«مسلمان بر مسلمان پنج حق دارد: جواب سلام، عیادت مریض، تشییع جنازه و...»

امام احمد روایت کرده که پیامبر ﷺ فرموده است:

«**عُودُوا الْمَرْضَى وَ اتْبِعُوا الْجَنَائِزَ تُذَكِّرُكُمُ الآخِرَةَ**»

«بیماران را عیادت و مردگان را تشییع کنید که شما را یاد آخرت می‌اندازد.»

سنت است در تعزیه و مواسات برادر، دوست و آشنایانت، برای آنان دعا کنید، همانگونه که پیامبر ﷺ به هنگام فوت ابوسلمه رضی الله عنه برای او دعا کرد: «بار خدایا! ابوسلمه را ببخش، در میان هدایت یافتگان درجه‌اش را عالی کن، جای او را در میان بازماندگانش با لطف خود پر کن و همراه او از خطاهای ما نیز صرف نظر بنما. ای پروردگار جهانیان! جای او را در تنگنای قبر گشایش ده و تاریکی آن را

۱- متفق علیه.

تبدیل به روشنایی کن.»[۱]

چه نیکوست که در روز تعزیه از صبر و پاداش آن و فانی بودن دنیا و بقای آخرت صحبت شود و به این منظور به آیات قرآن و احادیث شریف و سخنان سلف صالح استناد شود؛ مثل یادآوری آیات زیر: ﴿وَ بَشِّرِ ٱلصَّابِرِينَ ٱلَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُصِيبَةٌ قَالُوْا إِنَّا لِلّٰهِ و إِنّا إِلَيهِ رَاجِعُونَ أُلٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ اُولـئِكَ هُمُ ٱلْمُهْتَدُونَ﴾ (بقره/ ۱۵۷ - ۱۵۶)

«مژده ده شکیبایان را، همان کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم. بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان باد! آنان همان راه یافتگانند.»

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ ٱلْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عِنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا ٱلْحَيَاةُ ٱلدُّنْيَا إِلاَّ مَتَاعُ ٱلْغُرُورِ﴾ (آل‌عمران / ۱۸۵)

«هر جانداری چشنده‌ی طعم مرگ است و همانا روز رستاخیز پاداش‌هایتان به طور کامل به شما داده می‌شود. پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت وارد کنند، قطعاً کامیاب شده است و زندگی دنیا جز مایه‌ی فریب نیست.»

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيهَا فَان وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُوالْجَلالِ وَ

۱-روایت از مسلم.

الْإِكْرَامِ﴾ (الرحمن / ۲۷-۲۶)

«هر چه بر زمین است فانی شونده است و تنها ذات شکوهمند و ارجمند پروردگار تو باقی خواهد ماند.»

همچنین مانند یادآوری سخن پیامبر ﷺ که فرمود:

«اللَّهُمَّ أْجُرْنِی فِی مُصِیبَتِی وَ اخْلِفْ لِی خَیْراً مِنْهَا» [۱]

«خدایا! من را در مصیبتم مأجور و بهتر از آنچه که از دست داده‌ام برایم جایگزین کن.»

«إنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ وَ لَهُ مَا أَعْطَى وَ كُلُّ شَیءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُسَمَّى» [۲]

«حق خداست آنچه را می‌گیرد و آنچه را می‌بخشد و هر چیزی نزد او سر رسید معینی دارد.»

همچنین سخن پیامبر ﷺ در تودیع فرزندش، ابراهیم علیه السلام به هنگام فوت ایشان: «إنَّ الْعَیْنَ تَدْمَعُ وَ الْقَلْبَ یَحْزَنُ وَ لا نَقُولُ إلاَ مَا یرْضَی رَبُّنَا وَ إنَّا بِفِرَاقِكَ یا إبْرَاهِیمُ لَمَحْزُونُونَ» [۳]

«چشم اشک می‌ریزد و قلب محزون می‌شود وچیزی نمی‌گوییم مگر آنچه که خدایمان بدان راضی است. ای ابراهیم! به راستی ما در فراق تو غمناکیم.»

مناسب است سخنان سلف پیرامون تعزیه و تحمل مصیبت یادآوری

۱- مسلم و دیگران آن را روایت کرده‌اند. ۲-متفق علیه.

۳-متفق علیه.

شوند؛ چنان که عمر بن خطاب ﷺ می‌گفت: «هر روز گفته می‌شود فلان و فلان مردند و حتماً روزی فرا می‌رسد که گفته شود: عمر مرد.»

سخن خلیفه‌ی راشد، عمر بن عبدالعزیز را به یاد بیاور که می‌گفت:

«إِنَّ رَجُلاً لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَبِيهِ آدَمَ حَيٌّ لَعَرِيقٌ فِی الْمَوْتِ.»

«بین آدمی‌زاد و پدرش، آدم کسی نبوده که حیات جاودانگی داشته باشد.»

تابعی بزرگوار، حسن بصری ﷺ می‌گفت:

«یاابْنَ آدَمْ، إنَّمَا أَنْتَ أیامٌ کُلَّمَا ذَهَبَ یوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكَ.»

«ای بنی آدم! وجود تو مجموعه‌ای از زمان است که هر لحظه می‌گذرد قسمتی از تو از بین می‌رود.»

باز می‌گوید: «إِنَّ اللّٰهَ لَمْ يَجْعَلْ لِلْمُؤمِنِينَ رَاحَةً دُونَ الْجَنَّةِ.»

«خداوند استراحتی را برای مؤمنان جز در بهشت قرار نداده است.»

مالک بن دینار، شاگرد حسن بصری ﷺ می‌گوید:

عَرْسُ الْمُتَّقِينَ يَوْمُ الْقِيامَةِ.»

«شادی پرهیزکاران در قیامت است.»

شاعر گفته است:

و إنـــا لَـــنفرحُ بـــالْأَیَّامِ نـقطَعُها ‌ ‌ ‌ ‌ و كلُّ یوم مَضَی یُدْنَی مِنَ الْأجلِ

«ما از سپری شدن روزهای خود شادمانیم و حال آن که هر روزی می‌گذرد به سرانجام عمر خود نزدیک‌تر می‌شویم.»

یکی از لطیف‌ترین اشعاری که در حال تعزیه سروده شده این است که خطاب به صاحب تعزیه می‌گوید:

إنّا نعزيك لا إنا على ثقة من الحياة ولكن سنة الدين

فما المعزى بباق بعد ميته و لا المعزى و إن عاشا إلى حين

«ما به شما تسلیت عرض می‌کنیم هر چند از ادامه زندگی خود مطمئن نیستیم، اما این سنت دین است، نه صاحب عزا باقی خواهد ماند و نه عزاکننده، هر چند مدتی خواهند گریست.»

این سخن لطیف مناسب است که بگوییم:

نَموتُ و نَحيا كل يومٍ وليلةٍ ولا بُدَّ يومٍ نَموتُ ولا نَحيا

«هر روز و شب با خواب و بیداری مرده و زنده می‌شویم و ناگزیر باید روزی دنیا را برای همیشه وداع گوییم.»

کسی دیگر زندگی و غفلت را به شیوه‌ای واضح به تصویر کشیده و می‌گوید:

و إنا لفي الدنيا كركب سفينة نظن وقوفا و الزمان بنا يجرى!

«ما در دنیا همچون مسافران سفینه‌ای هستیم که به گمان خود ایستاده‌ایم و حال آن که گذشت زمان ما را می‌چرخاند.»

علاوه بر آیات و احادیث و سخنان زیبایی که ذکر کردیم می‌توان به نصوص و سخنان دیگری اشاره کرد که مناسب حال باشند. من افرادی را دیده‌ام که در مجلس کسانی که عزیزانشان را از دست داده‌اند مطالبی را ذکر کرده و آیات و احادیثی را مورد استدلال

قرار داده‌اند که نه تنها ربطی به آن مجلس نداشته، بلکه بار غم و غصه‌ی صاحب تعزیه را بیشتر کرده و نفرت مجلس را برانگیخته است، که این خلاف ذوق سالم و آداب اسلامی است.

۲۶ـ آداب صحبت کردن:

یکی از آداب نشست و صحبت با مهمان و دیگر مخاطبان این است که با صدای آرام با آنان صحبت شود و صدای بلند به اندازه‌ی کافی و به وقت ضرورت باشد؛ زیرا صدای بلند که از حد بگذرد آداب صحبت کردن را مختل می‌کند و دلیل بر عدم رعایت احترام مخاطب است.

این آداب را باید با دوست و رفیق و آشنا و کوچک و بزرگ مراعات کرد که مراعات آن با پدر و مادر و کسانی که هم سطح ایشان هستند و با مردم فاضل و بزرگ ضروری‌تر است. اینک به برخی نصوص در این مورد اشاره می‌کنیم:

در قرآن شاهد وصیت لقمان حکیم ﷺ به فرزندش هستیم که می‌فرماید: ﴿**وَ اغْضُضْ مِنْ صَوتِكَ**﴾ یعنی هنگام صحبت کردن با مردم صدایت را پایین آور؛ زیرا صدای بلند زشت و ناخوشایند است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿**يَا أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا لاَ تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ ٱلنَّبِيِّ وَ لاَ تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَ أَنْتُمْ لاَ تَشْعُرُونَ ٱلَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُم عِندَ رَسُولِ ٱللَّه**

أُولَـئِكَ ٱلَّـذِينَ ٱمْـتَحَنَ ٱللَّـهُ قُـلُوبَهُمْ لِـلتَّقْوَىٰ لَـهُم مَـغْفِرَةٌ وَ أَجْـرٌ عَظِيمٌ﴾ (حجرات/۳-۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدایتان را از صدای پیامبر بلندتر نکنید و همچنان که بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویند با او با صدای بلند سخن مگویید؛ مبادا بی آنکه بدانید اعمالتان تباه شود. کسانی که پیش پیامبر صدایشان را فرو می‌کشند همان کسانی هستند که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است. آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است.»

در صحیح بخاری از عبداللّه بن زبیر نقل شده است که عمر بن خطاب بعد از نزول این آیه هرگاه با پیامبر صحبت می‌کرد به حدی آهسته و آرام صحبت می‌کرد که بارها پیامبر به او می‌فرمود: «نفهمیدم، تکرار کن.»

حافظ ذهبی ﷺ در بیوگرافی امام محمد ابن سیرین، یکی از تابعین و پیشوایان و فقهای فرزانه حکایت می‌کند که بکار بن محمد از عبداللّه بن عون روایت کرده که محمد بن سیرین هنگامی که با مادرش صحبت می‌کرد به حدی آهسته و آرام صحبت می‌کرد که اگر کسی ناآشنا او را با مادرش می‌دید خیال می‌کرد که به شدت مریض و ناتوان است.

امام حافظ ذهبی باز در بیوگرافی عبداللّه بن عون بصری، شاگرد امام ابن سیرین و یکی از ائمه‌ی اعلام حکایت می‌کند که مادرش او را صدا زد او هم با صدای بلند مادرش را پاسخ داد و به

جرم این که صدای خود را بر صدای مادرش بلندکرده بود دو برده را آزاد کرد.

عاصم بن بهدله کوفی که از قراء معروف است، گفته است: به دفتر عمر بن عبدالعزیز رفتم و با صدای بلند با ایشان صحبت کردم. عمر گفت: بس است، لازم نیست صدایت را بیش از حدی بالا ببری که برای شنیدن دوست و مخاطبت ضروری است.

۲۷ـ آداب گوش فرا دادن:

یکی از آداب هم صحبتی این است که اگر یکی از دوستانت سخنی را به گمانِ این که تو آن را نمی‌دانی برایت حکایت کرد، هر چند خود آن را می‌دانی، چنان وانمود کن که از آن بی‌خبر هستی و با کمال میل و توجه به او گوش فرا ده تا خجالت نکشد.

تابعی جلیل، امام عطاء ابی رباح گفته است: «جوانی برایم سخنی نقل می‌کرد و من هم چون کسی که شیفته‌ی آن سخن است و تا اکنون آن را نشنیده به او گوش فرا می‌دادم و حال آن که آن را بهتر از او می‌دانستم.»

خالد بن صفوان تمیمی، رفیق و همکار عمر بن عبدالعزیز و هشام بن عبدالملک گفته است: «اگر کسی سخنی گفت یا حامل خبری بود که تو از آن آگاه بودی و به خاطر این که بفهمند که تو آن را می‌دانی در آن جلسه شرکت نکردی، بدان که این نوعی کم خردی و

سوء ادب است.»

امام جلیل عبدالله بن وهب قرشی مصری، دوست امام مالک و لیث بن سعد و سفیان ثوری و غیره گفته است:

«گاهی اوقات کسی صحبت می‌کرد که من آن صحبت را قبل از این که او به دنیا آید شنیده بودم، اما همچون کسی که آن را هرگز نشنیده و شیفته‌ی شنیدن آن است به او گوش فرا می‌دادم.»

ابراهیم بن جنید هم می‌گوید: حکیمی به فرزندش گفت: «همچون حسن کلام، حسن استماع را فراگیر؛ زیرا حسن استماع و توجه و نگاه تو و عدم تداخل در سخنانی که آنها را می‌دانی به گوینده فرصت می‌دهد تا آنچه که برای تو لازم است بگوید.»

حافظ خطیب بغدادی در این مقام سروده است:

و لا تشارك فِي الْحديث أهْلَهُ

و إن عرفت فرعه و أصله

«در سخنان گوینده دخالت مکن هر چند سر و ته آن را می‌دانی.»

۲۸ـ آداب سؤال و مجادله در مورد مسائل مشکل و مورد مناقشه:

یکی دیگر از آداب مجلس این است که اگر چیزی از سخنان گوینده را نفهمیدی صبر کن تا سخنانش تمام شود، سپس به صورت آرام و مناسب چیزهایی را که نفهمیده‌ای سؤال کن.

از ارائه‌ی سؤال در اثنای سخن بپرهیز؛ چون سؤال هنگام

صحبت باعث می‌شود که هم گوینده رشته‌ی کلام را از دست دهد و هم شنونده حواسش پرت شود؛ مگر این که کلاس دروس بخصوصی باشد که می‌توان پس از اتمام درس معلم در همان موضوع از او درخواست تکرار یا توضیح نمود. مناقشه هم در صورت لزوم مقتضی کیاست و آدابی است، چنان که مأمون، فرزند هارون‌الرشید که با اهل علم مناقشه می‌کرد می‌گوید:

«کارایی مناقشه‌ی صحیح بیشتر از تبعیت بی‌سر و صداست.»

هیثم بن عدی، یکی از علمای ادیب و مؤرخ و همنشین ابوجعفر منصور و مهدی و هادی و هارون‌الرشید گفته است: حکماء گفته‌اند:

«یکی از اخلاق‌های بد، چیره‌جویی بر کلام گوینده و اعتراض از آن برای بریدن رشته‌ی کلام است.»

۲۹ـ آداب جلسه‌ی پرسش و پاسخ:

یکی دیگر از آداب مجلس این است که هرگاه از همنشین تو در مورد چیزی سؤال کردند، به جای او پاسخ ندهی مگر این که از مسؤول اجازه بگیری؛ زیرا چنین روشی مؤدبانه‌تر و برای حفظ شخصیت و ارزش سخن و مقام تو بهتر است.

تابعی جلیل مجاهدبن جبر حکایت کرده که لقمان به فرزندش گفت: «زنهار! از این که از کسی دیگر بپرسند و تو جواب دهی،

همچون این که غنیمتی به دست آورده‌ای یا بخششی نصیبت شده است؛ زیرا اگر چنان کنی نسبت به مسؤول بی‌احترامی نموده‌ای و سؤال کننده را خواهی رنجاند و نادانان را بر نقاط ضعف و کم‌خردی و بی‌ادبی خود آشنا کرده‌ای.»

شیخ ابن بطه، محدث و فقیه حنبلی می‌گوید: نزد امام ابوعمر زاهد، حافظ و علامه‌ی لغت‌دان، محمد بن عبدالواحد بغدادی ملقب به غلام ثعلب بودم. ایشان یا کسی دیگر در مورد مسأله‌ای سؤال نمود و من جواب دادم. ابوعمر زاهد به من نگاه کرد و گفت: تو فضولی؟ من هم خجالت زده شدم!

۳۰ـ سخنی در مورد زیارت و آداب سخن و دیگر آداب:

سخن خلاصه‌ی من به مسلمانان عزیز این است که هرگاه قصد کردید به دیدار اهل و دوستان مؤمن خود بروید در انتخاب وقت دقت کنید که کی بروید و کی برگردید؛ زیرا بعضی وقت‌ها برای زیارت مناسب نیست، هر چند کسانی که قصد زیارتشان را دارید دوستان و خویشاوندان نزدیک شما باشند.

زیارت تو از دوستان همچون سایه‌ی لطیف و آرام و دلربایی باشد که دور از تکلف و سنگینی و فضولی و کسالت آفرینی است. زیارت، ارتباط دوستی و خویشاوندی است، پس تا کوتاه باشد آرامش آن بیشتر و تا طولانی و پرتکلف باشد سنگین و نامیمون است

و باب وقت‌گذرانی و رد و بدل سخنان بیهوده باز می‌شود و به همین خاطر تابعی جلیل محمدبن شهاب زهری می‌گوید:

«هر مجلسی به طول انجامد شیطان سهمی از آن خواهد داشت.»

تلاش کنید سخنانی که در این ملاقات ابراز می‌دارید مثمر و مفید و دور از غیبت و سخن چینی و لهو و لعب باشد؛ زیرا مسؤولیت مسلمان اجازه نمی‌دهد که وقت گرانبهایش این گونه هدر رود.

۳۱ـ آداب ورود به مکانی که کسی در آن خوابیده است:

هرگاه به وقت شب یا روز به جایی رفتی که کسی خوابیده بود، در باز و بسته کردن درها و صحبت نمودن مراعات کن که او را از خواب بیدار نکنی. آرام و با حساسیت برخورد کن؛ چنان که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَنْ يُحْرَمُ الرِّفْقَ يُحْرَمُ الْخَيْرَ كُلَّهُ.»[1]

مسلم و ترمذی از مقداد بن أسود، صحابی بزرگوار نقل می‌کنند که می‌گوید: «سهم ماستِ پیامبر راکنار می‌گذاشتیم و شب به خانه‌ی ما می‌آمد تا سهم خود را بردارد. او طوری صحبت می‌کرد که بیدار می‌شنید و خوابیده را بیدار نمی‌کرد.»

پیامبر ﷺ هنگامی که به نماز شب بر می‌خاست با صدایی

۱- (ترجمه و تخریج آن در ص ۱۴ گذشت.)

نماز می‌خواند که بیدار از آن لذت می‌برد و خوابیده را بیدار نمی‌کرد.

۳۲ـ آداب حضور در مجلس عروسی و تبریک و تهنیت:

هرگاه به مجلس عقد نکاح یا عروسی دعوت شدید آن را اجابت کنید؛ زیرا حضور در مجالس نکاح و عروسی جزو سنت‌های بزرگ است؛ مگر این که کارهای ناشرعی در آن صورت گیرد.

شریعت پاک اسلام ازدواج را یکی از عبادت‌ها و طاعت‌های بزرگ برشمرده است و به همین خاطر بستن عقد را در مسجد مستحب می‌داند. برخی از فقها پرده از این سنت برداشته‌اند و حدیث شریف پیامبر ﷺ به آن تصریح کرده است:

«أَعْلِنُوا هَذَا النِّكَاحَ وَ اجْعَلُوهُ فِي الْمَسَاجِدِ وَ اضْرِبُوا عَلَيهِ بِالدُّفُوفِ»[1]

«خبر نکاح را اعلان و مراسم آن را در مسجد برگزار کنید و برای آن به دف زنی بپردازید.»

امام احمد در مسند خود و حاکم و غیره نیز عبارت «**أَعْلِنُوا النِّكَاحَ**» را روایت کرده‌اند که مؤید حدیث مذکور است.

امام احمد، ترمذی، نسائی و ابن ماجه حدیث «**فَصْلُ مَا بَيْنَ الْحَرَامِ وَ الْحَلاَلِ الدّفُّ وَ الصَّوْتُ**» را روایت کرده‌اند. بدون اختلاف،

۱- روایت از ترمذی و ابن ماجه.

پیامبر ﷺ برای انتشار و اعلان خبر ازدواج دف‌زنی را در مجلس عروسی برای زنان اجازه داده است و بنابر دیدگاه برخی از علما قول اصح بر این است که برای مردان نیز جایز است. شریعت پاک اسلامی می‌خواهد اعلان کند که فلان دختر با فلان پسر ازدواج نموده و حلال و همسر یکدیگرند تا دور و نزدیک و خویشاوند و بیگانه از این پیوند باخبر، راه رفاقت‌های نامشروع هم بسته و جوانان به ازدواج شرعی تشویق شوند. چنان که ذکر کردیم پیامبر ﷺ فرمود: «**فَصْلُ مَا بَيْنَ الْحَرَامِ و الْحَلاَلِ الدّفُّ وَ الصَّوْتُ**»

علما گفته‌اند: مراد از صوت اعلان نکاح و سخن پیرامون آن و اضطراب اصوات و هلهله‌ی زنان و آوازخوانی مردان است.

حضور شما در این مجالس به منزله‌ی تحقق اعلان کار مطلوب و شهادت هر چه بیشتر بر ازدواج و مشارکت در عمل صالح و کار خیر برادر و خواهر مؤمنی است که با این اقدام نصف دین خود را کامل کرده‌اند و باید در تکمیل نصف دیگر تلاش نمایند. از سوی دیگر شرکت دوستان و خویشاوندان نیکوکار به منزله‌ی احترام و تکریم و دعای صلاحیت، توفیق، رستگاری و برکت در زندگی زن و شوهری است که تازه پیوند زناشویی بسته‌اند و این جزو حقوقی است که برادری اسلامی مقتضی آن است.

در این گونه مجالس به این نیت شرکت کنید که به دعوت خیر و مبارکی لبیک گفته و شاهد مجلس شادی مشروعی هستید که پیامبر

به حضور در آن فرمان داده است. پس این هم مجلسی است که دارای آداب ویژه‌ی خود است و باید خود را جهت شرکت در آن از نظر لباس و سر و سیما و نظافت آماده کنید؛ زیرا یاران پیامبر ﷺ به هنگام شرکت در مجالس خود را مرتب و منظم می‌آراستند. در این مجلس باید از چیزی سخن بگویید که موجب سرور و شادی است؛ نه مسائلی که باعث پریشانی حال شرکت‌کنندگان و غم و غصه‌ی آنان شود، یا برگوش و درون آنان ناخوشایند باشد و زشت جلوه کند؛ زیرا مؤمن زیرک‌تر از آن است که سخن بی‌جا و برخورد نامناسب از او سر زند.

مستحب است که زوجین را به روش دعای پیامبر ﷺ تبریک و تهنیت گویید که فرموده است: «**بَارَكَ اللّٰهُ لَكَ وَ بَارَكَ عَلَيْكَ وَ جَمَعَ بَيْنَكُمَا فِي الْخَيرِ**»[۱]

تبریک و تهنیت شما نباید مانند تبریک و تهنیت برخی از مردم باشد که می‌گویند: «در آسایش باشید و صاحب پسر شوید.»؛ زیرا این دعای جاهلی است که خداوند ما را با دعای پیامبر از آن بی‌نیاز کرده است.

یکی دیگر از دعاهای سنت که نسائی و ابن ماجه روایت کرده‌اند این است که پیامبر ﷺ می‌فرمود: «**بَارَكَ اللّٰهُ لَكُمْ و بَارَكَ**

۱- روایت از ابوداود و ترمذی. ابن ماجه و حاکم آن را صحیح دانسته‌اند.

عَلَيْكُمْ.»

امام بخاری از عائشه ـ رضی اللّه عنها ـ روایت کرده که گفته است: «پیامبر با من ازدواج کرد و زنانی از انصار پیشم آمدند و من را به منزل پیامبر بردند و می‌گفتند: با خیر و برکت و خوش‌بختی بهترین سهم و نصیب.»

شریعت پاک اسلام به زنان اجازه داده که در عروسی همراه دف، آواز مباح بخوانند و اشعار و اقوال زیبا و دلنشین و سرور آفرینی سردهند که از ذکر زیبایی و قد و قیافه‌ی دیگران و الفاظ تحریک‌کننده دور باشد.

امام بخاری از حضرت عائشه ـ رضی اللّه عنها ـ روایت کرده که زنی با مردی از انصار عروسی کرده بود و پیامبر ﷺ فرمود:

«يَا عَائِشَةُ مَا كَانَ مَعَكُمْ لَهْوٌ فَإِنَّ الأَنْصَارَ يُعْجِبُهُمُ اللَّهْوُ»

«ای عایشه! چرا لهو و شادی نداشتند؟ زیرا انصار به لهو علاقه‌ی زیاد دارند.»

منظور پیامبر از لهو، آواز و دف‌نوازی بوده است.

حافظ ابن حجر در کتاب خود «فتح الباری» در شرح این حدیث می‌گوید: شریک، یکی از راویان این حدیث در کتاب طبرانی در «الأوسط» می‌گوید: عایشه گفته است: پیامبر ﷺ فرمود: جاریه‌ای نفرستادی که برای زنان دف و آواز بخواند؟ گفتم: چه بگوید؟ فرمود بگوید:

«أَتَينَاكُمْ أَتَينَاكُمْ فَحَيانَا وَ حَيَاكُمْ»...

آوازی که از این معانی زیبا و سرور آفرین ترکیب شده باشد برای مجلس زنان جایز و آوازی که تحریک‌کننده، عاشقانه و باعث بی‌بند و باری باشد حرام است.

پایان

این سبدی از آداب اسلامی به جا مانده از بزرگان دین و نیاکان توست که با عبارات واضحی آنها را تقدیم کردم تا به آنها عمل کنی و به روش آنها قدم برداری. بهترین مکان برای تمرین آن خانواده‌ی خود و برادرانت است، پس در عملی کردن آنها کوتاهی و تعارف مکن و چنان مپندار که تکلف است و زندگی خانوادگی نیاز بدان ندارد؛ زیرا اهل و خانواده‌ی تو بیشتر از همه بر تو حق دارند و سزاوارترین صاحب حق نسبت به شما هستند. چنان که قبلاً ذکر کردیم، مردی پیش پیامبر ﷺ آمد و گفت: «چه کسی بیش از همه بر من حق دارد؟ فرمود:

«أُمَّكَ، ثُمَّ أُمَّكَ، ثُمَّ أُمَّكَ، ثُمَّ أَبُوك ثُمَّ أَدْنَاكَ فَأَدنَاكَ»

«مادرت، مادرت، مادرت، سپس پدرت، سپس کسانی که پس از پدر به تو نزدیک‌ترند.»

پس ای برادر مسلمان! مبادا از این که در حق کسانی که بر تو

حق دارند کوتاهی کنی! تو باید زیرک و هوشیارتر از این باشی که خود را گول زنی و حقوق صاحب حق خود را ضایع نمایی و جنبه‌ای از جوانب هدایت نبوی را مورد غفلت قرار دهی. از خداوند برای کسب رضایت او و عمل به آداب شریعتش کمک بخواه، که او پشتیبان نیکوکاران است.

خداوند در رعایت حقوق شخصی و حقوق دوستان و خویشاوندانت یاور تو باد! و تو را با لطف و کرم خود بر امتثال اوامر و طاعتش و پیروی از سنت پیامبر و محبت صادقانه به او، یاری دهد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و علی آله و صحبه و سلم تسلیماً کثیراً و الحمدلله رب العالمین.

امیدوار دعای خیر تو...

عبدالفتاح ابوغده



دین پاک اسلام آداب و فضایلی دارد که هر جنبه از جنبه‌های زندگی را فرا گرفته‌اند و کوچک و بزرگ و مرد و زن را شامل می‌شوند. از مسلمانان خواسته شده است تا این آداب را رعایت و در زندگی خویش پیاده کنند تا شخصیت ایمانی‌شان تکمیل و صفوف مسلمانان سامان یافته و منسجم شود.

عنوان آداب بدان معنا نیست که موارد مذکور در حاشیه‌ی زندگی و اخلاق آدمیان قرار داشته باشند و مسلمانان در انجام یا عدمِ انجام آن‌ها مختار باشند: این آداب از متنِ اسلام سرچشمه می‌گیرند و مقاصد شریعت و مصالح بندگان را تحقق می‌بخشند.



نشر احسان



فروشگاه شمارهٔ ۱: تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، مجتمع فروزنده، شماره ۴۰۶
تلفن: ۶۹۵۴۴۰۴

فروشگاه شمارهٔ ۲: تهران، خیابان ناصرخسرو، کوچه حاج نایب، شماره ۱/۱۱
تلفن: ۳۹۰۲۷۵۰